



زن خیابانی در معرض همه‌گونه آسیب و اغوا قرار دارد. ممکن است به دزدی، قاچاق و حتی شرکت در قتل هم کشانده شود و بر سر دار هم برود. اما آیا زندان و "دار مسأله زنان خیابانی" را حل می‌کند و فساد را ریشه کن می‌سازد؟

# زندان‌بانان هم فهمیدند ریشه فحشا در فقر است!

ثروت و عقل کم، رفتار پرخطر [در زمینه کثافتکاری‌های جنسی] داشته باشند... (دکتر اسماعیل اکبر، معاون سلامت وزارت بهداشت) و یا:

"... در جامعه اسلامی که روابط جنسی باید براساس شرع باشد، بالارفتن سن ازدواج به این مفهوم است که فاصله بلوغ جنسی و ازدواج و تشکیل خانواده مشروع زیاد می‌شود و مشکلاتی نظیر طلاق و فساد جنسی افزایش می‌یابد" (دکتر حسین حسینی، کارشناس سازمان بهزیستی و استاد دانشگاه) چنین اعتراف‌هایی گرچه خیلی محافظه کارانه است، اما در شرایط حاکم بر جامعه ما شجاعت محسوب می‌شود. چرا شجاعت؟!... برای این که کسانی هستند که اراده خود را برتر از واقعیت می‌دانند و واقعیت را مساوی با تمایلات، اندیشه‌ها و رفتارهای خود قرار داده‌اند. اگر شب باشد و آن‌ها بگویند

ای هوار... کفر و استکبار ایمان مردم ما را نشانه گرفته... آنان با تبلیغات مسموم خود جوانان و نوجوانان، زنان و مردان ما را گمراه می‌کنند، ایمانشان را متزلزل می‌سازند و به سمت گناه و فساد سوقشان می‌دهند. در این دوره، کسی را یارای آن نبود که بگوید و بنویسد لطفاً به درخت هم بنگرید، شاید کرم از خود درخت باشد و اگر کسی چنین جرأتی می‌کرد و بر افادات و افاضات آقایان ایراد مختصری می‌گرفت، خود متهم می‌شد که از اذیاب شیطان است و از استکبار خط می‌گیرد.

اما بالاخره ماده این فساد آنقدر غلیظ شد که برخی از مسئولان ناگزیر از اعتراف به رشد پدیده روسپی‌گری شدند و مثلاً گفتند: "زن‌های خیابانی غیرقابل کنترلند و تعدادشان بیشتر شده است. ثروتمندان [هم] تعدادشان بیشتر است، یعنی کسانی که قادرند به دلیل وجود

روسپی‌گری که یکی از اصلی‌ترین شاخص‌های سنجش شرایط اقتصادی، اجتماعی و اخلاقی در یک جامعه محسوب می‌شود، در کشور ما روبه رشد است. این رشد را تا همین اواخر خیلی‌ها انکار می‌کردند، اما زمانی که دیگر انکار کردن این واقعیت غیرممکن شد. کسانی که عملکردشان، مستقیم یا غیرمستقیم، موجب این ناهنجاری و ناهنجاری‌های مشابه شده است و باید در مقابل افکار عمومی پاسخگو باشند، به سفسطه و مغلطه بازی دست یازیدند و کوشیدند مسؤولیت‌ها را ناشی از پدیده‌هایی نظیر ویدیو، ماهواره و انسان‌هایی با عنوان عامل استکبار و ضد انقلاب و حتی بی‌ایمانی روسپیان و استفاده‌کنندگان از روسپیان معرفی کنند. مدت‌های طولانی، این ترجیع‌بند از تریبون‌های رسمی شنیده می‌شد که ای داد...

روز است، همگان باید تاریکی را روشنایی بپندارند و چون و چرا هم نکنند.

بدین ترتیب، در سال‌هایی کسه روسپی‌گری رشد می‌کرد و نهادینه می‌شد، مردم می‌دیدند ابتدا در پستوها و پس‌کوچه‌ها و سپس در خیابان، در پارک‌ها و در اماکن عمومی دیگر، "تن‌فروشی" و "تن‌خری" قباحت خود را از دست می‌دهد و به صورت امری عادی در می‌آید. آنها واقعیت‌ها را می‌دیدند، ولی چون سکان داران کشتی قدرت می‌گفتند: ان‌شاءالله گربه است، مردم هم ناگزیر بودند بگویند: ان‌شاءالله گربه است!

ولی این فساد، گربه نبود. هیولایی بود که مدام رشد می‌کرد (و می‌کند) و بالاخره روزی آنقدر بزرگ شد که دیگر نمی‌شد وجود و حضورش را انکار کرد.

در این زمان بود که اصحاب قدرت و ارباب تریبون‌های پرمخاطب، با چهره‌های درهم‌به‌وجود روسپی‌گری اعتراف کردند، اما با بلاغتی توأم با سفسطه‌هایی شگفت‌انگیز، سر برآوردن این هیولا را به عواملی نسبت دادند که آدمی را بی‌اختیار به یاد ارتباط گوردز با شقایق می‌انداخت!

### یک اعتراف نامه رسمی

روسپی‌گری و روسپی‌خری همیشه وجود داشته است. حتی در باتقواترین جوامع نیز این پدیده رایج بوده و هست، منتهی در مقیاسی محدود و تقریباً نامرئی. ضمناً عامل شهوت رانی و زیاده‌خواهی (چه در زنان و چه

در مردان) زیربنای انواعی از روسپی‌گری و روسپی‌خری بوده که می‌توان آن‌ها را روسپی‌گری و روسپی‌خری ضابطه‌مند و متکی بر قانون عرضه و تقاضا دانست. ضعف ایمان و اخلاقیات هم در رشد این پدیده قابل انکار نیست و مخلص کلام این‌که نمی‌توان گفت یک جامعه مرفه، یا یک جامعه برخوردار از عدالت اقتصادی و اجتماعی هم می‌تواند از این پدیده نامیمون مصون بماند. اما فاجعه زمانی رخ می‌دهد که فقر و نابرابری‌های هولناک

اقتصادی زمینه‌ساز روسپی‌گری شود. و اکنون، متأسفانه، رشد پدیده روسپی‌گری در ایران، ریشه در همین نابرابری‌ها دارد. این واقعیت را از خلال یک گزارش تحقیقی نشریه "پیک زندان" ارگان رسمی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که از زیرمجموعه‌های قوه قضاییه است به وضوح می‌توان مشاهده و لمس کرد. (۱) البته بسیاری از حقایقی که در

### عکس از خانم نازی نیوندی



فراهم آورد و یا ...

در مورد آمار و اطلاعات مندرج در این گزارش، که بخش‌هایی از آن در زیر نقل می‌شود، ذکر این نکته ضروری است که معمولاً از هر چند بزهدار (ولگرد بزهدار) یکی به دام قانون می‌افتد. این امر به ویژه در مورد "روسپی‌گری" و "روسپی‌خری" که برای پنهان‌کاری و پنهان‌سازی (و یا حتی موجه جلوه دادن رفتارهای ناموجه) راه‌ها و امکانات فراوانی وجود دارد، بیشتر صادق است. بنابراین گستره فساد و میزان ارقام ذکر شده در این گزارش را باید بسیار فراخ‌تر و کلان‌تر در نظر گرفت و اینک فرازهایی از آن گزارش:

بسیاری از زندانیان بند نسوان کشور به علت اعمال ضد عفت و اخلاق عمومی در بند هستند. یعنی اعمال و رفتارهایی غیراخلاقی که از طرف جامعه و فرهنگ حاکم مردود شمرده می‌شود.

یکی از جاذبه‌های اساسی روسپی‌گری امروزی این است که زن‌ها و مشتریان معمولاً برای یکدیگر ناشناخته‌اند اگر چه مردان ممکن است مشتری‌دایمی شوند، اما رابطه در آغاز براساس آشنایی مشخصی برقرار نمی‌شود.

از نگاه زیتمن [جامعه‌شناس] فواحش به گروه‌های مختلفی از قبیل فاحشه‌های جوان شامل دختران ۱۰ الی ۱۵ ساله، فاحشه‌های بالقوه که حاضرند در ازای پول، خدمات جنسی بدهند اما شرایط برایشان مهیا نیست. فاحشه‌های غیرحرفه‌ای که در منزل

خودشان، خودفروشی می‌کنند. فاحشه‌های حرفه‌ای جوان که به تازگی وارد این حرفه شده‌اند. فواحش پیر، ولگردان یا فواحش خیابانی، درماندگان، معتادان و دختران تلفنی مستقیم می‌شوند.

در رابطه با اینگونه اعمال نکته مهمی وجود دارد که عبارت از رابطه مستقیم جرم با فصل است. بدین ترتیب که در فصل بهار و تابستان چنین جرایمی افزایش یافته و سپس در ماه‌های دیگر سال رو به کاهش می‌رود. در این فصول

این گزارش آمده، موضوعاتی نیست که از نظر و نگاه مردم، به ویژه فرهیختگان و پژوهشگران، پنهان مانده باشد. اما نکته مهم این است که اطلاعات مندرج در این گزارش متکی بر آمار و اطلاعات رسمی است و دیگر کسی نمی‌تواند مدعی شود ضدانقلاب می‌خواهد با بزرگ‌نمایی یک موضوع به کشور ضربه بزند، یا این جناح و آن جناح را تضعیف کند. یا عملکرد خدمتگزاران را خدشه‌دار سازد، یا برای رسانه‌های خارجی خوراک تبلیغاتی

غرایز جنسی انسان تحت تأثیر قرار می‌گیرد. همچنین در ماه‌های اولیه سال به دلیل ضعف مالی برخی زن‌ها جهت تأمین مایحتاج زندگی، جرایم مربوط به منافی عفت شدت می‌یابد. طبق آمار که در چهارماهه اول سال ۱۳۷۹ از موجودی زندانیان بند نسوان کل کشور به دست آمده در حدود ۳۲۸۶ نفر این زندانیان به

## بیشتر دستگیرشدگان

### به جرم روسپی‌گری

۲۰-۱۹ ساله و کسانی هستند

که تازه ازدواج کرده‌اند.

### گروه دیگر در سنین

۱۸-۱۲ سالگی

### قرار داشته و از قشر

### دانش آموز بوده‌اند!

جرم اعمال خلاف عفت عمومی در زندان به سر می‌برند. بیشتر این آمار مربوط به سنین ۱۹ تا ۲۰ سالگی و متعلق به افراد جوان و کسانی است که تازه ازدواج نموده و در ابتدای راه زندگی هستند. همچنین میزان مرتکبین سن ۱۲ تا ۱۸ ساله نیز که از قشر دانش آموز به شمار می‌روند، قابل توجه است.

به طور مثال با نگاهی به جدول آماری مربوط به تیرماه ۱۳۷۹ متوجه می‌شویم که ۱۳۱ نفر از گروه سنی مذکور در بند نسوان به سر برده و رقم ۳۴۲ نیز که بالاترین رقم جدول است، مربوط به سنین ۱۹ تا ۲۵ سال است.

در عین حال، حدود ۵۰ نفر نیز در سنین بالای پنجاه سال بوده‌اند. با توجه به این مطالب مذکور باید به طرقتی در پی یافتن دلایل امر بود تا بتوان راهکارهایی را در جهت کاهش چنین آماري ارایه داد.

آنچه مسلم است زنان خیابانی نیز گروهی از آسیب دیدگان اجتماعی نیازمند کمک هستند. تنفر، جمع آوری، زندان و حتی مرگ آخرین راه برای برداشتن این پدیده نمی‌تواند باشد.

فقر، تنهایی، بیهودگی، بیکاری و عدم پذیرش از سوی اجتماع آنها را در خیابان‌های بی‌انتها رها می‌کند. خیابان‌هایی پر از چراغ و اتومبیل‌هایی با بوق‌های ممتد آلودگی.

گروهی دیگر متعلق به خانواده هستند. اما خانواده‌ای که سلامت پیکره آن زیر سؤال است. والدینی بی‌اهمیت، بی‌سواد، بی‌کار و اغلب فقیر که جز به سیر کردن شکم و دست یافتن به پول از آسان‌ترین و سریع‌ترین راه نمی‌اندیشند.

برخی از آنها محصول طلاق و جرم والدین هستند. نامادری، ناپدری و اطرفیانی که احساسات و عواطف انسانی آنها زیر پاله کرده و آنان را به گوشه خیابان‌های شلوغ شهر سوق داده‌اند.

برخی از آنها در این مسیر آنچنان غرق و غوطه‌ور می‌شوند که دام دومی به نام اعتیاد برای همیشه گریبانگیرشان می‌شود و اینجا آخر خطر زنی است که برای تأمین مخارج زندگی خود راهی جز گوشه خیابان ایستادن ندارد.

مهاجرت نیز از دلایل دیگر رویکرد برخی زنان به فساد است. فروپاشی اجتماعات کوچک محلی، توسعه شهرها، حاشیه‌نشینی و گستردگی روابط اجتماعی، آسیب‌های اجتماعی را که پدیده زنان خیابانی نیز از آن دست محسوب می‌شوند، دامن می‌زند.

تحقیقات نشان داده است که ۷۰ درصد این زنان در وضعیت بسیار نامطلوب اقتصادی و معیشتی به سر می‌برند.

برخی از آنان در گذشته مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند. بسیاری از آنها در قاچاق مواد مخدر و خرید و فروش آن نقش دارند و از نظر روانشناسی نیز با اضطراب‌های شدید و اختلالات عصبی مواجهند.

....

زنان خیابانی نیز چون دیگر معضلات موجود در هر جامعه‌ی زاینده اجتماع هستند. قبل از این که چنین معضلی به بی‌بندوباری منجر شده و یا به علت وفور به منزله تصویری عادی در سطح شهر تلقی گردد، باید چاره‌ای اندیشید. این مسأله از هر جایشه گرفته و شاخ و برگ داده است، تاکنون به از هم پاشیدگی خانواده‌های بسیار و نابسامانی‌های اجتماعی فراوان انجامیده است. وقت آن رسیده که

مسئولان بیش از پیش در صدد ریشه‌کن کردن آن برآیند. چرا که پایداری ارکان جامعه در گرو سلامت همه‌جانبه خانواده و ارتقای سطح فرهنگی و اقتصادی آن است. زنان نیز به عنوان عامل اصلی شکل‌دهنده به پیکره خانواده بهترین وسیله برای دستیابی به اهداف والا هستند.

\*\*\*

آنچه از گزارش نشریه پیک زندان نقل شد، گرچه حاوی افشاگری‌های تکان‌دهنده و اطلاعات و آمار تأثرآوری است، اما حاوی تمامی حقیقت نیست. حقیقت زمانی و در شرایطی آشکار می‌شود که علاوه بر واقعیات استخراج شده از وضعیت روسپیان به زندان

### به گواهی آمار رسمی،

۷۰ درصد از زنانی که

در رابطه با روسپی‌گری

به دام افتاده‌اند در

وضعیت بسیار نامطلوب

اقتصادی و معیشتی

به سر می‌برده‌اند

افتاده، ما یک تحقیق میدانی جامع در مورد زنانی هم که به دام نیفتاده‌اند، انجام دهیم. زنانی که عده آنها نامعلوم است، همه جا هستند، اما خیلی‌ها می‌کوشند آنها را نبینند و یا اگر دیدند، وجودشان و علل سیه‌رویشان را نادیده بگیرند!!

\*\*\*

### پی‌نوشت:

۱. این گزارش را خانم آمینه افروز تهیه کرده و به کمان ما برای آن زحمت زیادی کشیده است. گزارش مزبور در شماره ۱۲۱ نشریه "پیک زندان" - دوشنبه ۱۷ دیماه ۱۳۸۰ - چاپ شده است. ضمناً باید یادآور شویم گرچه "پیک زندان" یک نشریه ارگانی است، اما مطالب آن (تا این زمان) واقع‌گرایانه‌تر از بسیاری از نشریات غیرارگانی بوده است.